

دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

دانشکده مهندسی برق

مینی پروژه ۲ یادگیری ماشین

نگارش رضا لاری مهدی جوکار

استاد درس دکتر علیاری

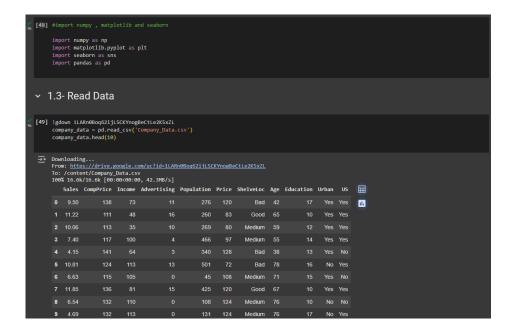
لينک گوگل كولب:

سوال ۳:

https://colab.research.google.com/drive/1J58LWDCUgTzSAi9skhoh7ytfKCz9Rthg?authuser=3#scrollTo=MyigZlkWULsU

۳.پرسش سه- درخت تصمیم

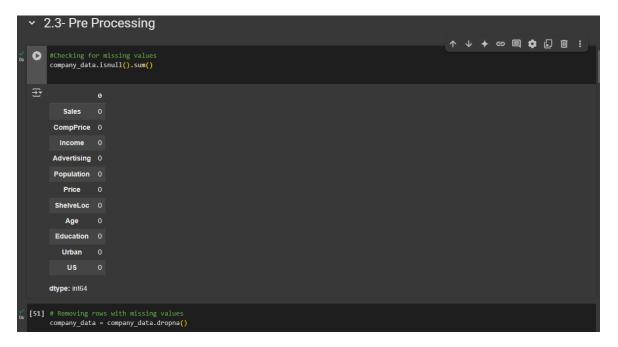
(1.7



اینکار مانند شکل بالا انجام شده است.

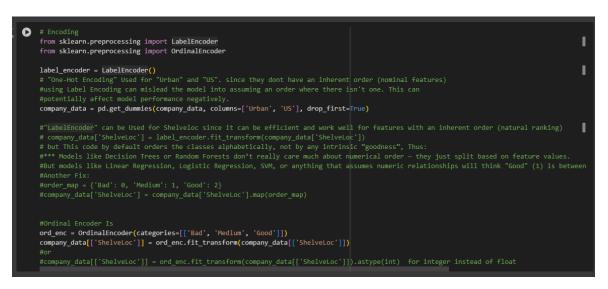
۲.۳)پیش پردازش دادگان

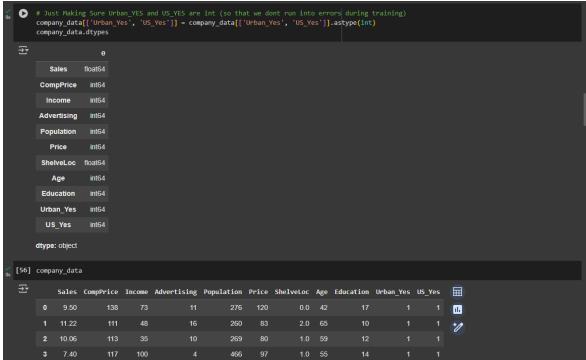
یافتن داده های ناقص یا گمشده:



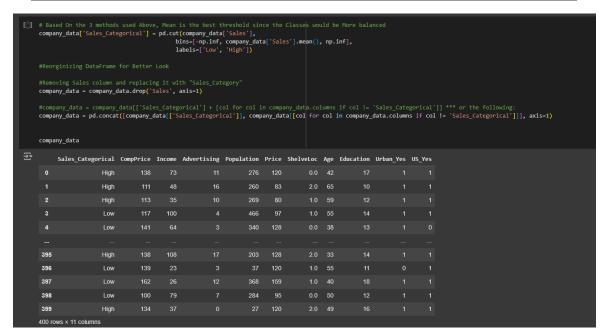
وجود دادههای تکراری در دادگان می تواند در روند یادگیری ماشین ایجاد سوگیری(بایاس) کند و در نتیجه نهایی و کارکرد ماشین خطا ایجاد کند. تشخیص و حذف آنها به صورت زیر است:

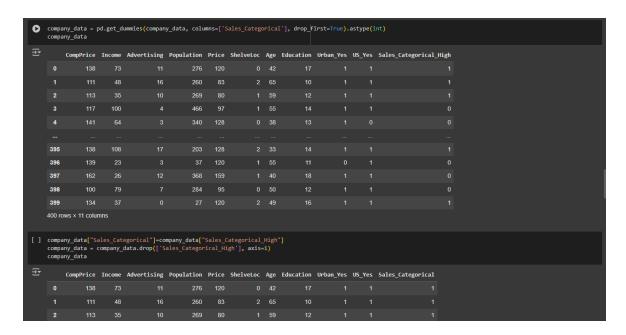
تبدیل ویژگیهای دستهای به عددی نیز به صورت زیر انجام شده است:



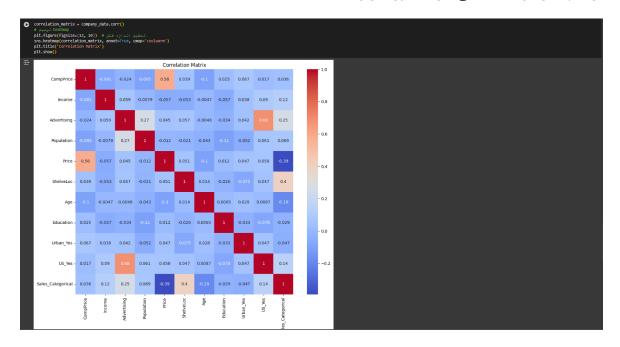


همچنین تبدیل ویژگی دستهای sales به عددی به کمک معیار میانگین و به دو دسته انجام شده است زیرا تعادل میان دو دسته را به خوبی رعایت میکند(مقایسه با دو روش دیگر quantile, Kmeans در کد انجام شده است):





ترسیم ماتریس همبستگی نیز به صورت زیر است:



همچنین برای یافتن بیشترین همبستگی داده ها با sales_categorical با فرض آستانه ۰۰.۲، رسم و اسم ویژگی ها به صورت زیر است:



٣.٣)محاسبه آنتروپی دادهها

با توجه به فرمول داده شده، محاسبه آنتروپی دادهها به کمک calculate_entropy به صورت زیر است:

```
    ■ 3.3-Entropy Calculation

[112] def calculate_entropy(labels):
    p-labels.value_counts()/len(labels)
    return -sum(p*np.log2(p))

[113] calculate_entropy(company_data['Sales_Categorical'])

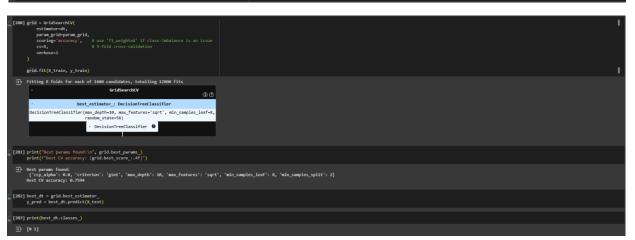
    ● 6.9999819662368479
```

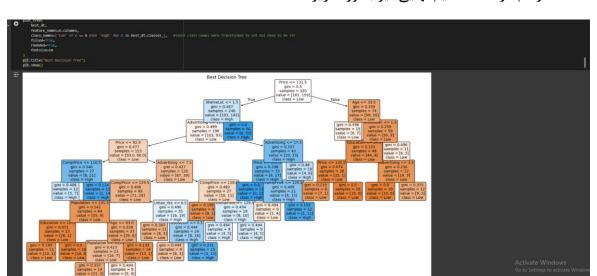
(information gain) محاسبه بهره اطلاعات (۴.۳

محاسبه بهرهاطلاعات نیز اینگونه است که ابتدا آنتروپی والد برای ویژگی مورد نظر محاسبه شده و با فرض مقدار اولیه صفر برای فرزند، آنتروپی زیرمجموعه ها و وزنها محاسبه و از آنتروپی والد کاسته می شوند:

۵.۳)درخت تصمیم:

- درخت تصمیم در صورتی که دادههای آموزش بیش از حد زیاد شوند، می تواند دچار بیش برازش شود که موجب خطا بر روی دادههای تست شده و عملکرد نامناسبی دارد.هرس کردن (pruning) روشی برای ساده سازی و جلوگیری از این اشتباه با حذف شاخههایی است که ممکن است اطلاعات جدیدی به مدل اضافه نکنند. از معایب آن نیز می توان به احتمال کمبرازشی و نیاز به انتخاب پارامترهای بیشتر و درست (هزینه محاسباتی بالاتر) اشاره نمود.
- Scikit-learn ابزاری در کتابخانه GridSearchCV است که برای یافتن بهترین ترکیب از پارامترهای مدل استفاده میشود. این ابزار، مجموعهای از مقادیر ممکن برای هر پارامتر را دریافت کرده و با استفاده از اعتبارسنجی متقابل، تمام ترکیبهای ممکن را آزمایش میکند و به شکل exhaustive عمل میکند. سپس با محاسبه دقت یا معیارهای دیگر برای هر ترکیب، بهترین تنظیمات را که عملکرد مدل را بیشینه میکنند انتخاب مینماید. به این صورت، GridSearchCV به انتخاب خودکار و بهینه پارامترها کمک میکند و از بیش برازش نیز جلوگیری میکند.





• رسم درخت تصمیم نهایی نیز بصورت زیر است:

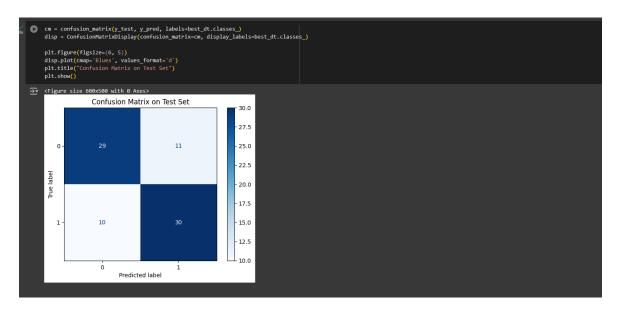
• برای بررسی بیش برازش یا کم برازش باید مدل را هم روی داده های تست و هم آموزش بررسی نمود؛ اگر دقت مدل روی داده های آموزش بسیار بالا ولی روی دادههای تست بسیار پایین باشد، بیش برازش رخ داده است و اگر دقت مدل هم روی دادههای آموزش و هم آزمون پایین باشد، کم برازشی رخ داده است. به طور کلی بیش برازش زمانی رخ می دهد که درخت بسیار عمیق باشد، معیار جداسازی بدون کنترل مناسب بوده و دادهها نویز بالایی داشته و یا دارای ویژگیهای نامربوطی باشند. کم برازشی نیز در صورتی رخ می دهد که عمق درخت کم بوده، حداقل تعداد نمونه برای جداسازی زیاد باشد و اطلاعات کافی از داده ها برای ساخت مدل استخراج نشده باشد. از راهکارهای مناسب برای جلوگیری نیز استفاده از درختهای مجموعهای مانند Random Forest، هرس کردن، و انتخاب عمق و مقادیر جداسازی مناسب است.

```
| Taning Accuracy: 0.73 and test_accuracy of test_accuracy > 0.75 and test_accuracy of test
```

• خروجی معیارهای ارزیابی برای داده های آزمون به صورت زیر است:

همانگونه که مشاهده می شود، مدل با دقت کلی ۷۳/۷۵٪ عملکرد قابل قبولی روی دادههای آزمون دارد و مقادیر recall,precision و F1-score نیز برای هردو کلاس نزدیک می باشند که نشان دهنده عدم وجود سوگیری می باشد (در ابتدا مقدار میانگین برای جداسازی فروش استفاده شد تا از سوگیری جلوگیری شود).

• ماتریس درهم ریختگی برای دادههای آزمون نیز به صورت زیر است(برچسبها: ۰ کم و ۱ زیاد):



همانگونه که مشاهده می شود، ماتریس درهم ریختگی نتایج را به خوبی نشان می دهد چرا که مقادیر ۰ واقعی درست تخمین زده شده ۳۰ تا می باشند که بسیار بیشتر از مقادیر اشتباه می باشند.

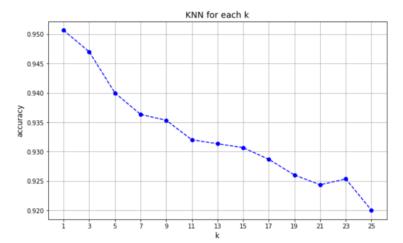
۲.پرسش دو-MNIST

آ) روش StandardScaler داده ها را به گونه ای تبدیل میکند که میانگین صفر و انحراف معیار یک
 باشد اما روش MinMaxScaler این روش دادهها را به بازهی[0,1] یا [1,1-] تبدیل می کند.

هر پیکسل در MNIST یک مقدار بین 0 تا 255 دارد. MinMaxScaler به سادگی این مقادیر را به بازهی [0,1] تبدیل میکند، این تبدیل خطی است و ساختار اصلی داده ها را حفظ می کند و برای پردازش تصاویر بسیار مناسب است.

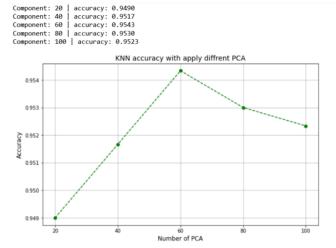
ج) د)

best value for k: 1 accuracy 0.9507



k = 1: accuracy = 0.9507
k = 3: accuracy = 0.9470
k = 5: accuracy = 0.9400
k = 7: accuracy = 0.9363
k = 9: accuracy = 0.9353
k = 11: accuracy = 0.9320
k = 13: accuracy = 0.9313
k = 15: accuracy = 0.9307
k = 17: accuracy = 0.9287
k = 19: accuracy = 0.9260
k = 21: accuracy = 0.9243
k = 23: accuracy = 0.9253
k = 25: accuracy = 0.9200

د) در روش PCA با حفظ واریانس اطلاعاتی، ابعاد داده را کاهش میدهد. با افزایش تعداد مؤلفه های PCA، دقت بهبود می یابد و ام بعد از مقداری (در اینجا ۴۰) علاوه بر این که تاثیری ندارد حتی باعث کاهش دقت نیز می شود.



1.پرسش یک-پیامک اسپم

الف)

طبقهبندی Naive Bayes:

این روش بر اساس قضیه بیز کار می کند و فرض می کند که ویژگی ها مستقل از یکدیگر هستند. با وجود سادگی، در بسیاری از موارد عملکرد خوبی دارد، به ویژه در پردازش متن و داده های با ابعاد بالا. و البته محاسبات آن سریع و کم هزینه است.

طبقەبندى Optimal Bayes:

این روش بهترین طبقه بند ممکن را ارائه میدهد، به شرطی که توزیع داده ها بهطور کامل شناخته شده باشد. برخلاف Naive Bayes، هیچ فرض ساده کنندهای ندارد و وابستگی بین ویژگیها را در نظر می گیرد. در عمل، به دلیل نیاز به اطلاعات کامل از توزیع داده ها، پیاده سازی آن دشوار است.

در کل می توان گفت؛ Naive Bayes یک روش عملی و سریع با فرض ساده کننده است، در حالی که Optimal Bayes یک روش تئوری و ایده آل است که در عمل به ندرت قابل استفاده است.

(ب

برای مجموعه داده پیامک های اسپم، Multinomial Naive Bayes بنظر مناسب تر است چرا که؛

مجموعه داده پیامک ها متنی هستند و با روشهایی مانند Bag of Words به اعداد تبدیل میشوند. این تبدیل معمولاً مبتنی بر تعداد تکرار کلمات است مثلاً کلمه جایزه ۲ بار در پیامک آمده. مدل Multinomial به طور خاص برای داده های شمارشی (مانند تعداد دفعات تکرار یک کلمه) طراحی شده و در طبقه بندی متن عملکرد بهتری دارد. مدل Bernoulli فقط وجود یا عدم وجود کلمات را بررسی می کند و اطلاعات تکرار را نادیده می گیرد. مدل Gaussian برای داده های پیوسته با توزیع نرمال مناسب است و با داده های متنی سازگاری / ندارد.

برای مثال در تشخیص اسپم، تکرار برخی کلمات مثل مسابقه و رایگان اغلب نشانه از احتمال اسپم بودن است. Multinomial این اطلاعات را به خوبی مدل می کند.

ج)

Accuracy of Model is: 98.21%
- Confusion Matrix:
TP: 131 | FP: 6
FN: 14 | TN: 964
- Accuracy: 98.21%
- Precision: 95.62%

- Recall: 90.34% - F1 score: 92.91%

د) Bernoulli Naive Bayes عملکرد بهتری دارد چون برای دادههای متنی با ویژگیهای دودویی (وجود یا عدم وجود کلمه) مناسب است در حالی که Gaussian Naive Bayes به دلیل فرض توزیع نرمال، برای دادههای متنی (که معمولاً یراکنده و غیرنرمال هستند) ضعیف عمل می کند.

Bernoulli Naive Bayes: Gaussian Naive Bayes:
Confusion matrix: confusion matrix:
[[1451 2] [[1311 142]
[34 185]] [18 201]]
Accuracy: 97.85% Accuracy: 90.43%

Precision: 98.93% Precision: 58.60% Recall: 84.47% Recall: 91.78%

با توجه به نتایج مشخص است که Multinomial در accuracy و recall عملکرد بهتری دارد لذا اگر صرفا هدف دقت باشد مدل اول بهترین است اما اگر هدف کاهش False Alarm باشد مدل اول بهترین است اما اگر هدف کاهش Gaussian باشد detection باشد Gaussian بهتر است.

